



## همایون همتی: تلقی های نادرستی از عرفان در جامعه ما وجود دارد/ چهار سفر عرفانی

همایون همتی گفت: تلقی های نادرست از عرفان و داوری های متناقض در این باره فراوان است. عرفان مختص هیچ نظام فلسفی یا دین خاصی نیست و میراث مشترک و عامی است که در همه فرهنگ ها وجود دارد.

همایون همتی گفت: تلقی های نادرست از عرفان و داوری های متناقض در این باره فراوان است. عرفان مختص هیچ نظام فلسفی یا دین خاصی نیست و میراث مشترک و عامی است که در همه فرهنگ ها وجود دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، حسینیه ارشاد در ادامه برگزاری سلسله نشست های آفاق اندیشه در تاریخ یکشنبه ۹۶/۲/۲۴ از ساعت ۱۶ تا ۱۸ میزبان همایون همتی بود. وی در این جلسه درباره سفرهای عرفانی، تعریف و جایگاه عرفان اسلامی صحبت کرد.

همتی گفت: در جامعه ما تلقی های نادرست از عرفان و داوری های متناقض در این باره فراوان است. عرفان مختص هیچ نظام فلسفی یا دین خاصی نیست و میراث مشترک و عامی است که در همه فرهنگ ها وجود دارد. از عرفان کلاسیک یونانی گرفته تا قرون وسطی، تا عرفان یهودی و مسیحی، افلوپینی تا عرفان هندی و چینی و ایرانی تا عرفان های عصر جدید (New Age). امروز پژوهشگران عرفان تلاش می کنند وجه مشترک آنها را کشف کنند و با وجود همه تفاوت ها تمام آنها را تحت عنوان عرفان دسته بندی می کنند.

وی ادامه داد: برخی عرفان و پژوهان معتقدند چون عرفان از جنس وجدانیات، کیفیت و احساسات روحی (Spiritual feelings) است و از جنس مفهوم نیست، تعریف و ناپذیر (Indefinable) است: بنابراین مثل امید، اشتیاق، عشق و زور زدن یا خواب و دیدن قابل توصیف نیست و فرد باید آن را تجربه (Experience) کند تا دریابد. در مقابل، بعضی معتقدند عرفان قابل تعریف و بیان و پذیر است و می توان روایتی از آن به دست داد. آنها عرفان را به تجربه شهودی (Unitive experience) یا تجربه وجدانی (Intuitive experience) تعریف می کنند. تجربه ای که انسان در آن احساس برآمدن و عروج می کند. با مبدأ عالم تماس می گیرد و به روشن شدن و شدگی و روح و اشراق (illumination) می رسد.

وی افزود: پروفسور راینولد نیکلسون ۲۵ سال روی مثنوی و عرفان اسلامی تحقیق کرده و ۱۴ نسخه مثنوی را تطبیق داده است. او در کتاب پیدایش و سیر تصوف می گوید تا قرن ۵ پیش از ۳۰۰ تعریف از عرفان و تصوف از کسانی مثل بایزید، هجویری، نوری، خراز و غیره جمع آوری کرده است. در عصر شکوفایی عرفان اسلامی (قرن ۶ و ۷) نوع دیگری از آن به وجود آمد که عرفان فلسفی و مابانه و نوعی هستی شناسی (ontology) بوده است که به آن عرفان نظری (Theoretical) می گویند و به دست ابن عربی، اهل اندلس اسپانیا بنیان گذاشته شد. او ۹۰ استاد و ۱۴۰۰ اثر داشته و ۳۰ سال آخر عمر خود را مجاور و مقیم مکه و خانه کعبه بوده است. او برای عرفان اسلامی، موضوع، مبادی و غایت تعریف کرد. پس از او فرزندخوانده اش صدرالدین قونوی، راه او را ادامه داد. موضوع عرفان، شناخت خداوند و رسیدن به وجود لایشرط مقسمی است. روش عرفان علم حضوری است نه علم حصولی و از راه معرفت قلبی و باطنی است. استاد می خواهد و سیر و مراحل و منازل دارد: از مقامات تبیل تا فنا پله پله تا ملاقات خدا

این استاد دانشگاه گفت: در هر منزل و مرحله ای حالات، مقامات و قدرت های به سالک روی می کشد. سیر و سلوک را عرفان عملی (Practical) می گویند. در عرفان عملی سالک باید استاد ببیند، ریاضت بکشد و مثل فردی که رژیم تغذیه گرفته سختی بکشد تا قدرت های روحی اش شکوفا شود.

وی افزود: محققان عرفان را به چهار بخش تقسیم کرده و بحث می کنند که عرفان خود آن تکنیک ها است یا حالاتی که از آنها حاصل می شود: جهان بینی و هستی شناسی عرفانی، اعمال، برنامه ها، توصیه ها و تکنیک ها، حالات و نتایج و مشاهدات عارفان و خواب ها و رؤیاها کسانی مثل والتر ترنس استیس در کتاب عرفان و فلسفه (که در زبان انگلیسی بی نظیر است) عرفان را نتایج این تکنیک ها و اعمال می دانند اما به نظر من بحث بیهوده ای است و تمام این مجموعه چهارگانه را می توان عرفان نامید. تنها کتابی که با کتاب استیس توان رقابت دارد کتاب پروفسور استیون کتز درباره عرفان اسلامی است. کتاب پروفسور الکساندر ناپیش هم خواندنی است: Islamic Mysticism a Short History (تاریخچه مختصر عرفان اسلامی).

وی ادامه داد: سرمایه عارف نقد است. او همه چیز را می‌بند آن هم در بیداری نه در خواب و رؤیا! با مطالعه و حفظ کردن مثلاً ۵۰ هزار بیت کسی عارف نمی‌شود. عرفان حاصل سیر و سلوک است. سفر است، رفتن و رسیدن است. به عزم مرحله عشق پیش نه قدمی که سودها کنی از این سفر توانی کرد

همتی گفت: ممکن است کسی عرفان و پژوه باشد اما اصلاً مسلمان و معتقد نباشد چنانکه نمونه و هایش در دانشگاه‌های دنیا بسیار است.

وی سپس به چهار سفر عرفانی اشاره و شرح آنها پرداخت:

- ۱- سفر من الخلق الی الحق: مسافرت از مردم تا خدا
- ۲- سفر بالحق فی الحق: مسافرت با خدا درباره خدا
- ۳- سفر من الحق الی الخلق بالحق: مسافرت از خدا تا مردم با خدا
- ۴- سفر فی الخلق بالحق: مسافرت در میان مردم با خدا

وی در ادامه سخنان خود به کتاب ولایت نامه و رساله توحید علامه طباطبایی (ره)، مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية امام خمینی (ره)، آشنایی با علوم اسلامی شهید مطهری، اسفار ملاصدرا، اشارات ابن سینا، دیدگاه‌های آیت الله جوادی آملی، علامه حسن زاده آملی، و نیز برخی عرفای بزرگ معاصر مثل آیت‌الله قاضی، آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله بهجت اشاره کرده و برخی آیات و روایات درباره عرفان، معرفت قلبی و شهودی را خواند.